

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: راجر هریس*
برگردان: ناهید صفائی
۱۰ اکتوبر ۲۰۲۱

دخالت امریکا در انتخابات ریاست جمهوری نیکاراگوئه



فعالان سابق همبستگی نقطه نظرات امپریالیستی را تکرار می‌کنند!

قبل از این که هنری کیسینجر طرفدار کلینتن شود، لیبرال-ها او را به خاطر این حرفش محکوم می‌کردند: «نمی‌فهمم چرا باید ساکت بنشینیم و تماشا کنیم تا یک کشور به‌خاطری مسئولیتی مردمش کمونیست شود. این مسائل مهم‌تر از آن هستند که رأی‌دهندگان چیلی را به حال خودشان بگذاریم تا سر خود تصمیم بگیرند.» پیامد این اظهارنظر، کودتای سال ۱۹۷۳ در چیلی و حمام خونی بود که با پشتیبانی امریکا در این کشور به راه افتاد. حالا عمو سام در نیکاراگوئه به مشکل برخورد ه است؛ جایی که نظرسنجی-های مستقل، حاکی از پیروزی چشم‌گیر دانیل اورتگا رهبر چپ‌گرای ساندینیست-ها در انتخابات هفتم نومبر است.

دولت امریکا و رسانه‌های چاپلوس آن تلاش می‌کنند تا از انتخاب مجدد اورتگا جلوگیری کنند. در ۱۲ جولای، امریکا محدودیت‌هایی برای صدور ویزای صد مقام نیکاراگوئه‌ئی به دلیل «تضعیف دموکراسی» وضع کرد، از جمله نمایندگان مجلس، اعضای قوه قضائیه و خانواده‌های آن-ها. ماه قبل دولت بایدن، دختر رئیس‌جمهور اورتگا، یک جنرال نظامی، رئیس بانک مرکزی و یک نماینده مجلس را تحریم کرد. این تحریم و سایر تحریم‌های غیرقانونی امریکا علیه نیکاراگوئه برای شدت بخشیدن به ایده تغییر رژیم طراحی شده‌اند و بر اساس این اتهام مسخره است که این

کشور کوچک و فقیر «تهدیدی خارق-العاده و غیرمعمول برای امنیت ایالات متحده» به شمار رفته است، در حالی که به عکس است.

دولت ترمپ در سال ۲۰۱۸ تحت قانون نیکا^۱ تحریم-هائی را بر نیکاراگوئه اعمال کرد، از جمله جلوگیری از اعطای وام از مؤسسات مالی بین‌المللی تحت کنترل امریکا. در اگست سال ۲۰۲۰، طرح کمک مسؤولانه در نیکاراگوئه^۲ افشاء شد: یک ستراتیژی کودتائی چندوجهی ایالات متحده برای سرنگونی دولت نیکاراگوئه با کمک قراردادهائی با شرکت‌های بزرگ. طرح کمک مسؤولانه خواستار یک دولت «انتقالی سریع و پیش‌بینی نشده» است تا از آنچه به اعتراف آنها پیروزی ساندینیست‌هاست، جلوگیری کند. بعد از انتقال یکپارچه و کامل قدرت از دولت ترمپ به دولت بایدن، قانون درانتظار اجرای «تحریم‌های هدفمند» گسترش بیشتری می‌یابد. مداخله امریکا در نیکاراگوئه و در واقع در کل امریکای لاتین، تحت دکتترین مونرو سال ۱۸۲۳ دارای سابقه-ای طولانی است که تاکنون ادامه داشته است. در سال ۱۸۵۶، ویلیام واکر^۳، شهروند ایالات متحده سعی کرد خود را به عنوان رئیس دولت برده‌دار نیکاراگوئه تحمیل کند، اما پس از چهار سال ترور شد. در سال ۱۹۱۲، ایالات متحده اشغال نیکاراگوئه را آغاز کرد و این کشور به اجبار تبدیل به کشوری تحت حمایت امریکا شد. در سال ۱۹۳۳، امریکا در جنگی به رهبری آگوستوسی-ساندینو، قهرمان ملی از نیکاراگوئه بیرون رانده شد. حزب انقلابی ساندینیست‌ها برای بزرگداشت این قهرمان به نام اونام-گذاری شد. در دهه ۱۹۸۰ پس از سرنگونی دیکتاتوری سوموزا، دست‌نشانده ایالات متحده به دست ساندینیست‌های جدید، کنترها^۴ با ساندینیست‌ها وارد جنگ شدند.

فرضیات مسأله‌دار

در گذشته، بیشتر ترقی خواهان ایالات متحده با امپریالیسم کشور خود مخالف بودند. اما بتازگی، همانطور که جرمی کوزماروف^۵ از مجله کاورت اکشن^۶ اظهارداشت «جنگ‌افروزان ایالات متحده در تبلیغات بسیار ماهر شده‌اند به طوری که نه تنها می‌توانند بدون برانگیختن اعتراضی-، جنگی تجاوزکارانه برپا کنند، بلکه با استفاده از زبانی که یادآور دوره مک‌کارتی است لیبرال‌ها را مجبور به محکوم کردن فعالان صلح کنند.»

نامه سرگشاده اخیر کارگران همبستگی ایالات متحده ۱۹۷۹-۱۹۹۰ به دولت نیکاراگوئه بیانگر نقطه نظرات امپریالیستی ایالات متحده است. این نامه سرگشاده امریکائی‌ها، به تاریخ اول جولای، هم‌زمان با انتشار نامه دیگری از طرف فعالان سابقه اروپائی- همبستگی با نیکاراگوئه، و نیز نامه دیگری از سوی آکادمیسی‌های بین‌المللی، به طور عمده فعالان در حوزه مطالعات امریکای لاتین بود. (احتمالاً ارتباط پنهانی بین این سه نامه وجود دارد). هر سه نامه از زبانی مشابه و انتقادات و خواسته‌های یکسان و هماهنگ شده برخوردار هستند.

در حالی که سایر فعالان بین‌المللی دهه ۱۹۸۰ هنوز اولویت شان عدم مداخله و همبستگی با دولت ساندینیست‌هاست، نگرانی‌های بیان شده در نامه سرگشاده، هرچند محترمانه، باید مورد بررسی قرار گیرند. این نامه بر فرضیات مسأله-دار زیر مبتنی است:

۱. نامه سرگشاده ادعا می‌کند که رژیم «اورتگا» در حوزه «جنایت علیه بشریت» مقصر است.

در حالی که نیکاراگوئه تحت حاکمیت ساندینیست‌ها تا کنون، حقیقتاً مترقی‌ترین دولت امریکای مرکزی بوده است، خلاف گواتمالائی‌ها، هندوراسی‌ها و السالوادوری‌هائی که مشتری‌های ایالات متحده امریکا هستند، مردم نیکاراگوئه-، در جست و جوی زندگی بهتر به ایالات متحده فرار نمی‌کنند. فقر شدید در نیکاراگوئه به نصف کاهش یافته و هدف توسعه هزاره ملل متحد برای کاهش سوء-تغذیه محقق شده است. مراقبت‌های بهداشتی و آموزش

مقدماتی رایگان است و بی سوادی عملاً از بین رفته است، در عین حال، بالاترین سطح برابری جنسیتی در قاره آمریکا را دارد. نیکاراگوئه با داشتن کمترین میزان قتل در امریکای مرکزی، دارای کمترین نیروی پولیس با کمترین بودجه در منطقه است. این‌ها نمی‌توانند جزو ویژگی‌های یک دیکتاتوری باشند.

۲. در نامه سرگشاده ادعا می‌شود:



تلاش کودتای ۲۰۱۸ صرفاً «تظاهر به تعیین سرنوشت» بوده است. نامه سرگشاده درحالی که به درستی خاطر نشان می‌کند که رویدادهای سال ۲۰۱۸ عنصری از نارضایتی مردم را منعکس می‌کند، اما موضوع میلیون‌ها دالری را که آمریکا سال‌هاست برای براندازی رژیم نیکاراگوئه خرج می‌کند لاپوشانی می‌کند.

کمپین‌های رسانه‌های اجتماعی با استفاده از اطلاعات غلطی که توسط گروه‌های تحت حمایت آمریکا تنظیم شده بودند، به اعتراضات خشونت‌آمیز دامن زدند. به گفته خورخه کیلان^۷، یکی از فعالان همبستگی «کسانی که در اپریل ۲۰۱۸ در نیکاراگوئه به ربودن، شکنجه، سرقت اموال، قتل و تجاوز به شهروندان اقدام کردند، همان پیش‌برندگان کودتا بودند. آنها همه چیز را با تلفون‌های همراه خود ثبت و ضبط کردند، حتا رفقای ساندینیست‌های مقتول را در خیابان‌ها به آتش کشیدند.»

بنسامین ووادل^۸، یکی از امضاکنندگان نامه سرگشاده اعتراف کرد «هر روز بیش از پیش روشن می‌شود که حمایت ایالات متحده، نقش مهمی در پرورش قیام‌های کنونی (۲۰۱۸) داشته است.» دان لا بوتز^۹ شورشی دیگری که می‌گفت «اورتگا باید برود» پیشینه این حمایت را فراهم کرد: «سازمان‌های امریکائی مانند یو.اس.اید^{۱۰} و بنیاد ملی برای دموکراسی^{۱۱} و بدون تردید سازمان سیا^{۱۲} چندین دهه در نیکاراگوئه به همین ترتیب رفتار کردند، همچنان‌که در سایر نقاط دنیا چنین می‌کنند.»

به گفته ویلیام رابینسون^{۱۳} یکی دیگر از امضاکنندگان نامه سرگشاده، اپوزیسیون در سال ۲۰۱۸ هیچ جایگزین متری قابل توجهی ارائه نکرده است. بلکه در این سال تلاش می‌شد با ابزار خشونت‌آمیز به چیزی دست پیدا کنند که رسیدن به آن بطور دموکراتیک از طریق صندوق‌های رأی، برای شان ناممکن بود.

۳. در این نامه سرگشاده ادعا می‌شود که دولت نیکاراگوئه «به هیچ وجه ارزش‌ها، اصول و اهداف انقلاب ساندینیستی را بازتاب نمی‌دهد.»

این موضع و ادعا یعنی این که گویا خارجی‌ها باید به مردم نیکاراگوئه بگویند که چگونه انقلاب خود را ارزیابی کنند. روند انتخابات در نیکاراگوئه روشن می‌کند که مردم نیکاراگوئه خلاف این ادعا می‌اندیشند.

پس از براندازی موفقیت‌آمیز ساموزا^{۱۴}، دیکتاتور مورد حمایت آمریکا و جنگیدن علیه کنتراها – نیروهای ضدانقلاب مورد حمایت آمریکا – ساندینیست‌ها در انتخابات ۱۹۹۰ شکست خوردند. خوب است بدانیم اورتگای کناررفته ،

بی‌لحظه‌ای تردید، از نتیجه انتخابات پیروی کرد. این نخستین بار در تاریخ نیکاراگوئه بود که قدرت به‌شکلی مسالمت‌آمیز به حزب سیاسی دیگری منتقل می‌شد. پس از ۱۷ سال ریاضت نئولیبرالی، در سال ۲۰۰۶، دانیل اورتگا با ۳۸ درصد آراء در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. در سال ۲۰۱۱ با ۶۳ درصد و در سال ۲۰۱۶ با ۷۲/۵ درصد به پیروزی رسید. سروصداها بر خاسته از انتخاب اورتگا که هر روز بیشتر می‌شوند نشان می‌دهند که او از سوی اکثریت مردم نیکاراگوئه به عنوان رهبر قانونی انقلاب ساندینیستی شناخته می‌شود.



پیشنهادهای مسئله دار

نامه سرگشاده با استفاده از همان زبان موزیانه آمریکائی، «رژیم اورتگا-مورنیو»^{۱۵} را به آزاد کردن زندانی‌های سیاسی و بازداشتی‌ها فراخواند، از جمله «نامزدهای پیشین»، اعضای اپوزیسیون، و «رهبران تاریخی» انقلاب ساندینیستی را. نامه همچنین خواهان لغو قانون امنیت ملی که این افراد طبق آن دستگیر شدند، و درخواست مذاکره بر سر اصلاح قانون انتخابات شد.

نیکاراگوئه بتازگی دو قانون تصویب کرده است: قانون نمایندگان خارجی و قانون دفاع از حقوق مردم در کسب استقلال، حق حاکمیت و حق تعیین سرنوشت. به موجب این قوانین که نامه سرگشاده خواهان لغو آنها است، هرگونه تبلیغ مداخله خارجی در امور داخلی نیکاراگوئه، یا درخواست مداخله نظامی خارجی، سازماندهی اقدامات تروریستی و تبلیغ اقدامات اقتصادی اجباری علیه کشور جرم محسوب می‌شود. جالب است بدانید که این‌ها مشابه قوانین ایالات متحده-اند و نیکاراگوئه از روی قانون آمریکائی فارا^{۱۶} الگوبرداری کرده است.

اقدامات اخیر دولت نیکاراگوئه در تعقیب کسانی که این قوانین را نقض کنند از نظر حکومت‌داری امری طبیعی است. این که بعضی از متهم‌ها ممکن است خواست‌های سیاسی داشته باشند، آنها را در صورت انجام فعالیت‌های غیرقانونی مصون نمی‌دارد.

نامه دانشگاهی‌های فوق‌الذکر ادعا می‌کند که در میان بازداشت شده‌ها «برجسته‌ترین نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری اپوزیسیون» وجود دارند. اما حقیقت آن است که هیچ یک از ۱۷ حزب سیاسی نیکاراگوئه نامزدهای خود را تعیین نکرده‌اند و «بیشتر کسانی که در حال حاضر تحت بازجویی هستند، به هیچ حزب ثبت شده قانونی تعلق ندارند». درواقع، گزارش «استفان سفتون» از نیکاراگوئه نشان می‌دهد که: «هیچ یک از شخصیت‌های برجسته احزاب سیاسی مخالف در میان بازداشت شدگان نیستند که به‌خاطر حمایت از تلاش برای کودتای ۲۰۱۸ دستگیر شده‌اند.»

«کریستینا چامورو»، مدیر به اصطلاح یک سازمان غیردولتی، یکی از برجسته‌ترین دستگیر شده‌ها، متهم به پولشویی به دلیل دریافت میلیون‌ها دلار از سازمان یو.اس.اید و سایر سازمان‌های دولتی ایالات متحده آمریکا و بنیادهایی است

که برای تغییر رژیم فعالیت می‌کنند. او در دفاعیات خود، به شکلی غیرقابل باور ادعا کرده که وزارت امور خارجه آمریکا حساب‌هایش را حسابرسی کرده و همه چیز مورد تأیید آن وزارتخانه بوده است!

«رهبران تاریخی» انقلاب ساندینیستی همین‌ها هستند! کسانی که مدت هاست از انقلاب گسسته‌اند و از سال ۱۹۹۴ با اپوزیسیون راست‌گرای متحد آمریکا و سازمان‌های غیردولتی وصل به آمریکا همکاری کرده‌اند. از این مهم‌تر، آنها به تبنای غیرقانونی با قدرت‌های خارجی متهم شده‌اند.

نامه سرگشاده مذکور، خواهان «مذاکره در مورد اصلاحات در سیستم انتخابات» شده است، حال آن که در نیکاراگوئه نیز مانند ایالات متحده آمریکا، نحوه برگزاری انتخابات با فرایند قانونگذاری تعیین می‌شود و نه با مذاکره بین قدرت‌های مختلف. نیکاراگوئه برخی اما نه تمام اصلاحاتی را که توسط «سازمان کشورهای آمریکایی»^{۱۷} تجویز کرده انجام داده است. شورای عالی انتخابات، به عنوان [رکن] چهارم حکومت، ناظر فرایند انتخابات است. با وجود آن که ساندینیست‌ها دارای اکثریت نمایندگان در قوه مقننه‌اند، یک‌سوم اعضای شورای عالی انتخابات کنونی متشکل از نمایندگان احزابی به جز حزب حاکم است.

حق انقلاب نیکاراگوئه در دفاع از خود

نامه سرگشاده ضمن تأیید «تاریخ طولانی و شرم‌آور مداخله دولت ایالات متحده»، حق انقلاب نیکاراگوئه در دفاع از خود را به رسمیت نمی‌شناسد. به عکس، تأیید ضمنی آنها از تلاش برای کودتای ۲۰۱۸، فراخوانی برای تغییر رژیم از طریق روش‌های غیردموکراتیک و چراغ سبزی برای اجازه ضمنی برای دخالت‌های آمریکا است.

نامه سرگشاده ادعا می‌کند که «جنایات دولت ایالات متحده- چه در گذشته و چه در حال - نمی‌تواند دلیل، توجیه و بهانه‌ای» برای رفتار کنونی دولت نیکاراگوئه باشد. [درپاسخ باید گفت] اقداماتی که ادعا می‌شود دولت اورتگا انجام می‌دهد هم توجیهی برای تغییر رژیم توسط آمریکا نمی‌تواند باشد. نامه سرگشاده در مورد مداخلات کنونی آمریکا، به ویژه اقدامات تنبیهی مبتنی بر «قوانین نیکا ورینسر»^{۱۸} آمریکا کاملاً سکوت می‌کند.

دولت نیکاراگوئه نیازهای فقراء و کارگران را در اولویت قرار داده است و در چندین جبهه، پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی داشته است، به همین دلیل است که آماج تغییر رژیم شده است و مردم نیکاراگوئه هم برای خنثی کردن مداخله‌های آمریکا اقداماتی انجام داده‌اند. دولت ترمپ با اعمال تحریم‌های غیرقانونی سرکوبگرانه با هدف تغییر رژیم به اصطلاح «مثلث استبداد» - کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه را هدف قرار داده است. این سیاست سلطه‌گری ایالات متحده نه با ترمپ شروع شده و نه با دولت جدید به پایان می‌رسد.

در حالی که امپریالیست‌ها دشمن خود را بخوبی می‌شناسند، اما این برخی از عناصر جبهه چپ‌اند که [متأسفانه] نمی‌دانند چه کسی دوست آنهاست و این که آیا نیکاراگوئه حق دفاع از خود را دارد یا نه. چنانچه امضاکننده‌های نامه سرگشاده، برحسب ادعا، به «حق تعیین سرنوشت مردم نیکاراگوئه ... یک ملت مستقل که سرنوشت خود را خودش تعیین کند» معتقد باشند، پس حتماً باید از انتخابات ۲۰۲۱، بدون دخالت آمریکا، متحدان بین‌المللی آن و سازمان‌های غیردولتی که بودجه‌شان را آمریکا تأمین می‌کند، حمایت کنند.

*- راجر دی. هریس، عضو سازمان حقوق بشر کارگروه ویژه در مورد آمریکا است که در سال ۱۹۸۵ تاسیس شد.

۱. NICA. قانون مصوب کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۸ به منظور «مخالفت با اعطای وام توسط مؤسسات مالی بین المللی به دولت نیکاراگوئه مگر این که دولت نیکاراگوئه اقدامات مؤثری را برای حفظ انتخابات آزاد، عادلانه و شفاف و برای اهداف دیگر انجام دهد.»

۲. Responsive Assistance in Nicaragua-RAIN. دستور کار کمک مسئولانه در نیکاراگوئه. سندی تازه منتشر شده که عملیات دولت آمریکا برای سرنگونی دولت سوسیالیستی منتخب دموکراتیک در نیکاراگوئه را افشاء می‌کند. این سند جزئیات (RAIN) و برنامه آن برای «گذار نیکاراگوئه به دموکراسی» را توصیف می‌کند که برنامه‌ای برای حذف جبهه چپ ساندینیست برای آزادی ملی (به اسپانیایی) FSLN از قدرت است. این طرح توسط آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) اداره می‌شود که وسیله‌ای برای تغییر رژیم نیکاراگوئه است که از تظاهر به «کمک‌های بشردوستانه» برای پیشبرد منافع تهاجمی سیاست خارجی واشنگتن استفاده می‌کند. لینک مقاله افشاگرانه:

<https://thegrayzone.com/2020/08/04/usaaid-document-nicaragua-coup>

۳. ویلیام واکر (۱۸۲۴-۱۸۶۰) پزشک، وکیل، روزنامه نگار و مزدور آمریکایی بود که چندین سفر نظامی خصوصی را در مکزیکو و آمریکای مرکزی با هدف ایجاد مستعمرات انگلیسی زبان تحت کنترل شخصی خود انجام داد. واکر ریاست جمهوری نیکاراگوئه را در جولای ۱۸۵۶ غصب کرد و تا مه ۱۸۵۷ بر آن فرمانروائی کرد تا این که توسط ائتلاف ارتشهای آمریکای مرکزی از ریاست جمهوری، برکنار و از کشور خارج شد. وی در تلاش برای بازسازی کنترل خود به منطقه بازگشت ولی در سال ۱۸۶۰ توسط دولت هندوراس دستگیر و اعدام شد.

۴. کنترها گروه‌های شورشی مختلف دست راستی و مورد حمایت آمریکا بودند که از سالیان ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ علیه حکومت نظامی سوسیالیستی ساندینیستا موسوم به دولت بازسازی ملی در نیکاراگوئه فعال بودند. در بین گروه‌های مختلف گروه‌های جدائی طلب کنترها، نیروی دموکراتیک نیکاراگوئه (اف.دی. ان) به بزرگترین آن‌ها تبدیل شد. در ۱۹۸۷ تقریباً تمام سازمان‌های کنترها حداقل به‌طور اسمی در قالب «مقاومت نیکاراگوئه» متحد شدند.

5. Jeremy Kuzmarov 6. Covert Action 7. Jorge Capelán 8. Benjamin Waddell

9. Dan La Botz 10. USAID 11. NED 12. CIA 13. William Robinson

14. Somoza 15. Ortega-Murillo regime 16. FARA

17. Organization of American States

۱۸. قانون RENACER دولت ایالات متحده را ملزم می‌کند تا «تحریم‌های بازیگران اصلی رژیم اورتگا را افزایش داده و هماهنگی با کانادا و اتحادیه اروپا را گسترش دهد». در این لایحه از قوه مجریه خواسته می‌شود مشارکت نیکاراگوئه در توافقنامه تجارت آزاد آمریکای مرکزی (CAFTA) را مورد بازنگری قرار دهند.

(پیپولر رزیستنس، ۱۵ جولای ۲۰۲۱)

دانش و امید، شماره ۷، شهریور [سنبله] ۱۴۰۰